

راه کارهای تقویت اتحاد در میان مذاهب اسلامی

سید رحمت اله دانش میرکهن*

چکیده:

نوشتار حاضر در صدد معرفی راه کارهای عملی جهت ایجاد اتحاد پایدار میان فرقه‌های اسلامی با توجه به وجود داشتن آنها و بدون لحاظ نمودن صحیح یا ناصحیح بودن نظرات آنان است. به طور کلی وحدت را می‌توان به سه دسته تام و کامل، مصلحتی و منطقی پایدار تقسیم نمود و اختلاف نیز می‌تواند معقول یا غیر معقول باشد. اختلاف معقول که منطبق بر موازین پذیرفته شده عقلی است مورد پذیرش عقلای عالم و هم‌چنین قرآن است، و اختلاف نامعقول بر اساس هوی و هوس و معمولاً در اثر نادیده گرفتن خدا و فرامین او ایجاد می‌گردد.

وحدت منطقی پایدار نمی‌تواند با اختلاف معقول همراه نباشد. برای ایجاد چنین وحدتی باید کلیات دین اسلام بدون در نظر گرفتن عقاید شخصی در اجزای دین که مربوط به تعقل و اجتهاد است مورد توجه باشد.

نقش اصلی در ایجاد وحدت منطقی پایدار بر عهده علما است و شایسته است آنان با رعایت اصول زیر در ایجاد چنین وحدتی تلاش نمایند:

۱- رعایت تقوا به عنوان شرط اصلی وحدت در جهت حفظ مصالح کلی دین اسلام به دور از لحاظ نمودن آن چه که به مصالح دین خدشه وارد می‌سازد. هم‌چنین، الگو قرار دادن چگونگی برخورد علی ع‌ا‌س‌ا با اختلافات صدر اسلام در جهت حفظ وحدت و اساس اسلام.

۲- قرار دادن قرآن و سنت رسول خدا ص‌ل‌ل‌ه‌ و‌ع‌ا‌ل‌ه‌ و‌س‌ل‌م‌ به عنوان محور اصلی وحدت و اعلام برادری با هر کسی که خدا و رسول ص‌ل‌ل‌ه‌ و‌ع‌ا‌ل‌ه‌ و‌س‌ل‌م‌ و قرآن و معاد را می‌پذیرد.

۳- ایجاد شورای عالی فقهای جهان اسلام و معرفی آن به مسلمانان دنیا به عنوان مأخذ فتاوی دینی اسلام جهت جلوگیری از ایجاد تفرقه توسط ساده لوحانی که به نام دین موجبات تفرقه بین صفوف مسلمین را فراهم می‌سازند.

۴- گفت‌وگو و یافتن راه کاری در بین علمای جهان اسلام جهت پذیرش مرجعیت علمی علی ع‌ا‌س‌ا به عنوان افضل صحابه رسول خدا ص‌ل‌ل‌ه‌ و‌ع‌ا‌ل‌ه‌ و‌س‌ل‌م‌.

۵- با توجه به ویژگی‌های اولی الامر از دیدگاه اهل سنت و جمع بودن آن ویژگی‌ها در مقام معظم رهبری،

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.

پذیرش ایشان به عنوان اولی الامر و محور وحدت جهان اسلام راه کار عملی دیگر در ایجاد وحدت میان مسلمین است.

کلید واژه‌ها: اسلام، مذهب، اولی الامر، مرجعیت علمی، وحدت.

مقدمه

اسلام دینی آسمانی و هدایت‌کننده بشریت است که از سوی خداوند متعال برای رشد و تعالی انسان و ایجاد زندگی توأم با سعادت و شادی در جامعه بشری آمده است. آن چه مسلم است این است که رسول خدا ﷺ از جانب خداوند مذاهب گوناگون اسلامی نیاورده است، بلکه فقط یک دین به انسان‌ها عرضه شده است. در قرآن کریم لفظ دین هرگز به صورت جمع نیامده است و این مطلب گویای آن است که خداوند ماهیت تمام آن چه را که ما به نام ادیان می‌خوانیم واحد می‌داند. از دیدگاه قرآن، اسلام لفظی است که برای ماهیت دین از آدم تا خاتم برگزیده شده است. به طور طبیعی وجود اختلافات بعد از رسول خدا ﷺ و ایجاد دیدگاه‌های مختلف بین صحابه به هر دلیل و ایجاد مذاهب گوناگون در قرن‌های بعدی باعث تفرق در دیدگاه‌ها و زمینه‌ساز ایجاد تفرقه بین فرقه‌های اسلامی شده که پدیده‌ای نامیمون و ابزاری است برای استکبار جهانی در جهت ایجاد تفرقه بین مسلمانان عالم. نوشتار حاضر بدون بررسی چگونگی ایجاد مذاهب در صدد بررسی راه کارهایی است که بتواند در تقویت اتحاد بین مذاهب اسلامی مؤثر واقع شود.

در این نوشتار پذیرفته شده است که در عالم خارج تمام این مذاهب به هر دلیل فعلاً وجود دارند و باید به گونه‌ای آنها را به یک‌دیگر نزدیک نموده و زمینه‌های تفرقه را که دستاویز دشمنان اسلام است از میان برداشت.

تعریف واژه‌ها

اسلام در لغت از ریشه «سلم» به معنی کنار بودن از آفات ظاهری و باطنی است (قرشی ۱۳۷۱ ش، ج ۳، ص ۲۹۶).

اسلام یعنی اظهار خضوع و قبول آن چه رسول خدا ﷺ آورده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۹۴).

هر کس دین خدا را به زبان بپذیرد مسلمان است و هر کسی به آن چه خداوند امر کرده عمل نماید مؤمن است (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۶، ص ۸۷).

عده‌ای اسلام را دخول در سلامتی می‌دانند که صاحبش را از رنج و الم محفوظ می‌دارد. (راغب

اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۲۳).

مذهب در لغت از مصدر ذهاب به معنی رفتن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۴، ص ۴۱).

عده‌ای مذهب را روش می‌دانند (بندریگی، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۷۴).

کلیات

وجود فرقه‌های مختلف بعد از رسول خدا ﷺ: از خود پیامبر ﷺ در حدیثی به این مضمون بیان شده است که: «بعد از من امت من به هفتاد و دو و یا هفتاد و سه فرقه متفرق خواهند شد (این عجیبه، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۳۸۸). وجود فرقه‌های اسلامی به طور قطع از ناحیه خدا و رسول ﷺ نیست، زیرا نه خداوند دین خود را ناقص فرستاده است و نه رسول خدا ﷺ در کار ابلاغ دین کوتاهی نموده است تا کوتاهی ایشان سببی برای ایجاد تفرقه و تشتت گردد. از این رو وجود فرقه‌های متعدد بعد از ارتحال رسول خدا ﷺ ریشه در خود دین و قرآن کریم ندارد. آن چه سبب اختلاف نظرها گردیده است برداشت‌هایی است که از قرآن کریم و بیانات رسول خدا ﷺ شده و سبب گردیده تا فرقه‌های متعددی از دین اسلام با اختلافات در دیدگاه‌ها ایجاد شود.

اما اختلافات را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱- اختلاف نامعقول

اختلافات نامعقول اختلافاتی است که مورد تأیید قرآن کریم و رسول خدا ﷺ نیست، مانند اختلافات ناشی از هوی و هوس، اختلافات ناشی از خود نمایی و شهرت طلبی و اختلافات ناشی از قدرت طلبی که سبب بروز خصومت و تضاد در میان فرقه‌های اسلامی و مردم مسلمان می‌گردد.

۲- اختلاف معقول

اختلاف معقول ناشی از چگونگی اطلاعات مربوط به مسئله خاص، استعدادها، نبوغ افراد، و موضع گیری‌های طبیعی اشخاص در مورد حقایق است، مانند اختلاف نظر در دریافت واقعیات عالم از دیدگاه علوم نظری و فلسفه.

اختلافات معقول می‌تواند سببی برای اعتلای معارف دینی گردد. اختلاف نظرات علمای دین در فقه و اصول و ادبیات و سایر علوم که باعث پیشرفت‌های شگرف در علوم مذکور در سالیان دور تاکنون شده است شاهدهی بر این مدعا است. تأکید قرآن کریم بر تفقه و تدبر و تعقل در آیات و کاوش در مسایل دینی بدون بروز اختلافات در دیدگاه‌ها امکان پذیر نیست. پیامبر ﷺ در این مورد می‌فرماید: «اختلاف بین امت من رحمت است» (اسفراینی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۳۹۸).

اما آن چه مهم است این است که اختلافات نباید ویران‌گر باشد بلکه باید در جهت سازندگی و پویایی اسلام به کار گرفته شود.

اما برای ایجاد وحدت در صفوف مسلمین، باید با بررسی انواع وحدت در صدد یافتن راه کارهایی در این مورد بود.

انواع وحدت

۱- وحدت تام و کامل

وحدت تام و کامل عبارت است از اتفاق نظر در همه عقاید و معارف و تمام اصول و فروع دین. چنین وحدتی با توجه به اختلاف توان‌مندی متفکران و نبوغ و هوش آنان و کمیت و کیفیت اطلاعاتی که در اختیار آنان قرار می‌گیرد تا آن را در استدلال و کشف مطالب به کار گیرند بسیار بعید و در حد محال است و اساساً چنین وحدتی نمی‌تواند پسندیده باشد، زیرا مانع پویایی و پیشرفت معارف دینی می‌گردد.

۲- وحدت مصلحتی

گاهی به هنگام بروز عوامل مخاطره‌انگیز و عوامل نابودکننده در جامعه اسلامی، اختلافات میان فرقه‌ها و مذاهب نادیده گرفته می‌شود و نوعی اتحاد و هماهنگی ایجاد می‌گردد. این نوع اتحاد که محصول عوامل خطرآفرین برای جامعه است معمولاً با از بین رفتن عامل خارجی رو به افول گذاشته و کاهش می‌یابد. چنین اتحادی به دلیل غیر دائمی بودن قابل اتکا و ارزشمند نیست و نمی‌تواند آینده‌ای روشن به همراه هم‌دلی برای امت اسلامی به ارمغان آورد.

۳- وحدت منطقی و پایدار

اگر اساس و کلیات دین اسلام برای اعتقاد تمام مسلمین مد نظر قرار داده شود و عقاید شخصی و نظری که مربوط به تعقل و اجتهادات است کنار گذاشته شود وحدتی منطقی ایجاد خواهد شد که می‌تواند دائمی و غیر قابل خدشه باشد. در حال حاضر همه علمای بزرگ اهل تشیع و تسنن کلیه فرقه‌های غیر ضالّه را می‌پذیرند و تمام کسانی را که به کلیات رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خدا و معاد و قرآن کریم معتقدند مسلمان می‌دانند و خارج دانستن آنها را از اسلام جایز نمی‌شمرند. انطباق حیات اجتماعی و دینی مردم بر متن مشترک دین اسلام که همه فرقه‌ها و مذاهب را در بر گیرد ابزاری مهم در جهت ایجاد وحدت منطقی است.

راه کارها در جهت دستیابی به وحدت منطقی پایدار

۱- نقش علمای دین

اصولاً عامل وحدت و یا تفرقه ابتدائاً خود علمای دین هستند. علما نمایندگان دین در فرقه‌های اسلامی محسوب می‌شوند. جنگ‌هایی نظیر نهروان، جمل، صفین را افراد عادی جامعه به راه نینداختند. هم‌چنین آنان که سقیفه را بنا نهادند افراد عادی نبودند.

نخستین گام در ایجاد وحدت منطقی وسعت یافتن دیدگاه متفکران و شخصیت‌های بزرگ علمی جهان اسلام است. برای ایجاد چنین وسعت دیدگاه و سعه صدری لازم است علمای دین مساعی خود را در امور زیر به کار گیرند:

۱-۱- توجه به خداوند و تلاش برای کسب رضایت او

مسلم است که برای تمام علمای اسلام کسب رضایت الهی در رأس امور است. آیا رضایت الهی در اختلاف و دو دستگی مسلمانان حاصل می‌گردد و یا هم‌دلی به دور از دشمنی و محبت واقعی، موجبات خشنودی خداوند را فراهم می‌سازد؟

اگر علمای دین تمام مساعی خود را در جهت رضایت الهی قرار دهند و تمام اعمالشان نیز برای خداوند متعال باشد، و همواره در هر امری خداوند و فرامین او را در نظر داشته باشند عمیق‌ترین ابزار برای ایجاد وحدت پایدار بین مسلمین حاصل خواهد شد، زیرا هرگز و در هیچ شرایطی خداوند دشمنی و کینه توزی دو برادر دینی را نخواهد پذیرفت.

۱-۲- تقوا و دوری از هوا و هوس

قرآن کریم قبل از دعوت مردم به وحدت ابتدا آنان را به تقوا دعوت می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ». (آل عمران/۱۰۲). مهم‌ترین عامل ایجاد اختلافات نامعقول عدم تقوای الهی است. شهرت طلبی، خودنمایی، و پیروی از هواهای نفسانی نشأت گرفته از عدم تقوای الهی است. آن چه شایسته است علمای دین مدنظر قرار دهند حفظ کیان اسلام است. حفظ دین اسلام از حفظ آن چه که به آن مذهب گفته می‌شود مهم‌تر است، زیرا اگر اسلامی نباشد مذهبی در آن معنا نخواهد داد. داشتن تقوا و حساسیت در حفظ اساس دین می‌تواند از مهم‌ترین عوامل ایجاد وحدت معقول باشد.

۱-۳- التزام عملی به فرامین وحدت آفرین قرآن کریم

قرآن کریم اساس کلیه قوانین فقهی، حقوقی، اخلاقی و تمام شئون زندگی بین شیعیان و اهل تسنن است. آیات متعددی از قرآن، مسلمانان را از تفرقه و دوری از یک‌دیگر باز می‌دارد که

معروف‌ترین آنها آیه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) است که بعد از دعوت مردم به تقوا بلا فاصله آنان را به وحدت تشویق می‌نماید.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، حبل الله را کتاب خدا و سنت رسول خدا ﷺ می‌داند (موسوی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۵۷۳). نویسنده تفسیر نمونه نیز حبل الله را هر آن چیزی می‌داند که وسیله‌ای برای ارتباط با ذات خداست. (بایبی، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۳۱۵).

از میان علمای اهل سنت، ابن عربی حبل الله را دین خدا و کتاب خدا می‌داند (ابن عربی، ۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۹۱). وی مراد از اختلاف در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران را دوری از فتنه، تعصب و تشتت جماعت دانسته و می‌گوید قرآن از آنها نهی نموده است (پیشین، ص ۲۹۲). ابن عجبیه نیز حبل الله را کتاب خدا و ایمان می‌داند (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۳۸۸) و نهی قرآن در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران را در تشتیب جماعت در اصول دین می‌داند نه فروع دین (پیشین، ص ۳۸۹). جلال‌الدین سیوطی نیز در «در المنثور» مراد از حبل الله را قرآن دانسته است (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۶۰). بقیه علما و مفسرین شیعه و اهل سنت نیز نظرانی مشابه دارند.

علمای شیعه و سنی محور وحدت را اسلام و قرآن می‌دانند؛ از این رو قرار دادن تمام مساعی در جهت متن کلی دین و قرآن می‌تواند از عوامل مؤثر در ایجاد جامعه جهانی اسلام گردد. اختلاف نظر در امور جزئی که امری طبیعی است نباید باعث اختلاف و تفرقه و تشتت میان مسلمین گردد و تمام مسلمانان باید با عنایت به قرآن و رسالت پیامبر عظیم‌الشان اسلام برادر و یاور و خیرخواه هم باشند.

۴-۱- الگو قرار دادن عملکرد علی (ع) پس از رحلت رسول خدا ﷺ

سرمشق قرار دادن چگونگی برخورد علی (ع) با وقایع بعد از رحلت رسول خدا ﷺ برای شیعه و اهل سنت می‌تواند به عنوان الگویی جهت حفظ وحدت مسلمین قرار گیرد.

علی (ع) با ابوبکر بیعت نمود در حالی که خلافت را حق خود می‌دانست. علی (ع) در این مورد می‌فرماید: «پسر ابی قحافه خلافت را مانند پیراهنی پوشید و حال آن که می‌دانست من برای خلافت مانند قطب وسط آسیا هستم» (سید رضی، ۱۳۹۲ ق، خطبه ۳، ص ۴۶). اما در مدت دو سال و سه ماه خلافت ابوبکر کسی ندید که علی (ع) در تضعیف خلافت و تفرقه میان جامعه اسلامی گامی بردارد، حتی زمانی که بعد از بیعت با خلیفه اول در سقیفه، عباس بن عبدالمطلب و ابوسفیان بن حرب به قصد بیعت نزد علی (ع) رفتند، وی فرمود: «ای مردم! موج‌های فتنه‌ها را به کشتی‌های نجات و رستگاری شکافته از آنها عبور کنید و از راه مخالفت منحرف گردید.» (پیشین، ص ۵۸).

اگر علی (ع) سودایی جز وحدت و حفظ اسلام در سر داشت می‌بایست از فرصت استفاده می‌کرد. و آن‌گاه که خلیفه اول خلیفه دوم را به خلافت برگزید علی (ع) باز هم با وجود این‌که خلافت را

حق خود می‌دانست با او مانند خلیفه اول رفتار نمود و تن به تفرقه و جدایی نداد. زمانی که خلیفه دوم قصد حمله به ایران را داشت با همه مشورت نمود و در نهایت علی علیه السلام خلیفه دوم را از رفتن به جنگ بر حذر داشت و به وی گفت: «پس تو مانند میخ وسط آسیا باش و آسیای جنگ را به وسیله عرب بگردان و آنان را به آتش جنگ در آورده و خود به کارزار مرو زیرا اگر تو از این زمین بیرون روی عرب از اطراف و نواحی آن عهد تو را شکسته فساد و تبهکاری می‌نمایند» (پیشین، ص ۴۴۷). مشابه این راهنمایی نیز از سوی علی علیه السلام به خلیفه دوم، هنگام جنگ با روم صورت گرفته است (پیشین، ص ۴۱۶).

علی علیه السلام با مهربانی و خیرخواهی، کسی را که معتقد است خلافت او را غصب نموده راهنمایی می‌نماید.

هم‌چنین در جریان پیشنهاد شورای خلافت از سوی خلیفه دوم که علی علیه السلام آن را توطئه‌ای علیه خود می‌داند، در آن جا حاضر شده می‌فرماید: «هیچ کس پیش از من به دعوت حق و پیوند با خویشان و به احسان و بخشش نشناخته است پس سختم را شنیده و گفتارم را در نظر داشته باشید» (پیشین، ص ۴۲۸).

در جریان شورا سعد بن ابی وقاص به علی علیه السلام گفت: «ای پسر ابو طالب! تو به خلافت حریص هستی»، علی علیه السلام فرمود: «به خدا قسم شما حریص‌تر [و نسبت به پیامبر] دورتر هستید و من سزاوارتر و [به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم] نزدیک‌ترم و حق خود را می‌طلبم که شما میان من و آن مانع می‌شوید و هر زمان خواستم آن را بگیرم روی مرا بر می‌گردانید» (پیشین، ص ۵۵۵). در آن شورا عثمان به عنوان خلیفه برگزیده می‌شود ولی علی علیه السلام به‌رغم این که خلافت را حق خود می‌داند به جدایی و تفرقه با عثمان نیز رضایت نمی‌دهد.

در جریان شورش و طغیان علیه عثمان، علی علیه السلام در خواباندن فتنه و حفظ جان عثمان تلاش می‌کند و دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام را برای حفاظت از جان خلیفه می‌گمارد. علی علیه السلام امیرالمؤمنین شیعیان و از خلفای راشدین اهل سنت است که همه او را بزرگ و گرامی می‌داریم و از منزلت و مقام او در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از سبقت او در ایمان و مجاهدت‌هایش در صدر اسلام با خبریم. آیا شایسته نیست که جهت حفظ وحدت مسلمین و حفظ کیان اسلام به او اقتدا کنیم؟ آیا برخورد علی علیه السلام با خلفا ظاهری نعوذ بالله منافقانه بوده و یا این‌که وی واقعاً و از روی خیرخواهی با آنان رفتار نموده است؟ آیا شایسته نیست که علمای اهل تسنن و تشیع و شیعیان و اهل سنت بر اساس اسلام، قرآن و رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم واقعاً خیرخواه هم باشند و اختلاف عقاید در جزئیات وسیله‌ای برای کدورت بین آنها نگردد؟

آن چه توجه به آن لازم است این است که علی‌السلام همواره از بیان حق خود دست بر نمی‌داشت ولی در جهت وحدت و جلوگیری از تفرقه، خیرخواهانه رفتار می‌نمود و این‌الگویی است برای تشیع و تسنن تا از اختلاف و جدایی بپرهیزند و همواره یک‌دیگر را برادر هم دانسته دوست‌دار هم باشند.

۱- آگاه‌سازی مردم و دعوت آنان به دوستی و برادری

مردم به سخنان علمای مذاهب خود گوش داده و به عملکرد آنان توجه می‌کنند و عمدتاً برداشت آنان از دین و نیز مذهب خود ناشی از مطالعات عمیق و همه‌جانبه نیست بلکه چگونگی عملکرد روحانیون خود را الگو قرار می‌دهند. علمای مذاهب با دعوت گفتاری و رفتاری خود می‌توانند زمینه‌های برادری و اتحاد را بین مسلمین به وجود آورند و اگر علما به مردم تفهیم کنند که اعتقادات مذهب آنان مانعی برای دوست داشتن سایر مسلمانان نیست و هر مسلمانی ضمن داشتن اعتقادات مذهب خود بایستی مسلمانان سایر فرقه‌های اسلامی را برادر خویش دانسته و از کمک و مهربانی و خیرخواهی به آنها کوتاهی نکند و خود علما این موضوع را در عمل پیاده نمایند، دست‌یابی به اتحاد پایدار دور از انتظار نخواهد بود.

۱-۶- آگاهی علما از توطئه دشمنان اسلام در ایجاد تفرقه بین مسلمین

علمای دین آگاه‌اند که صهیونیست‌ها و سایر دشمنان اسلام در صدد ایجاد اختلاف بین مسلمین هستند و هر از چندگاهی با استفاده از تعصب عده‌ای از ساده‌لوحان، آنان را وادار به نوشتن کتاب علیه مقدسات مذاهب دیگر و یا سخنرانی علیه آنها می‌نمایند و به این وسیله آتش اختلاف را بین فرقه‌های اسلامی شعله‌ور می‌سازند. علاوه بر این، ایجاد فرقه‌های ضالّه نیز وسیله‌ای دیگر از سوی استکبار جهانی برای ایجاد تفرقه بین مسلمین است.

آگاهی علمای مذاهب و فرقه‌های اسلامی و عملکرد درست آنان با استفاده از امکانات ارتباط جمعی فعلی می‌تواند زمینه‌های آتش‌افروزی را از علمای ساده‌اندیش و مردم فریب‌خورده بگیرد. در این راستا شایسته است علمای بزرگ فرقه‌های مختلف جهان اسلام گرد هم آمده و شورای علما و فقهای جهان اسلام را تشکیل دهند و با معرفی این شورا به مردم مسلمان جهان به عنوان حافظ شریعت اسلام، جلوی اختلاف‌اندازی ساده‌اندیشان غافل و یا مغرضان از خدا بی‌خبر را بگیرند. شایان ذکر است که شناساندن این شورا به عنوان شورای علمای اسلام و پذیرش فتاوی‌ای آنان نه تنها در ایجاد وحدت و کوتاه نمودن دست ساده‌لوحان از کیان اسلام مؤثر خواهد بود بلکه می‌تواند منبعی حقوقی جهت صدور حکم شرعی برای کسانی باشد که مغرضانه به پیامبر عظیم‌الشأن اسلام ﷺ توهین می‌نمایند.

۲- پذیرش مرجعیت علمی علی علیه السلام

اهل تشیع و تسنن اصولاً در دو اصل اختلاف دارند؛ یکی خلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگری مرجعیت علمی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله. هم اکنون خلافتی وجود ندارد تا منشأ اختلاف باشد و شایسته است شیعه و سنی آن را نادیده بگیرند. اما در مورد مرجعیت علمی، بین شیعه و سنی اختلاف نظر است. ظاهر آن است که شیعه و اهل سنت در بین صحابه در افضلیت علمی علی علیه السلام اتفاق نظر دارند و هر دو فرقه علی علیه السلام را در شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند. این موضوع در صورتی که درباره آن گفت و گو شود و راه کارهایی برای آن جست و جو گردد می تواند یکی از مبانی وحدت بین شیعه و اهل سنت تلقی گردد. اهل سنت قرآن و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله را در پرتو اجتهاد مجتهدان کافی می دانند (امینی، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۰۳) در حالی که شیعیان معتقدند حافظ دین نمی تواند معصوم نباشد (پیشین).

بررسی فضایل صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط فرقه های اسلامی و قرار دادن افضل صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله به عنوان مرجعی برای حل اختلافات دینی بین فرقه های اسلامی می تواند از کارآمدترین ابزار وحدت در جهان اسلام باشد.

چه ایرادی دارد که برای حل اختلاف، صحابه ای که کلیه فرقه های اسلامی او را می پذیرند و علاوه بر آن بر افضلیت او صحنه می گذارند به عنوان شخصیتی مشترک در حل اختلافات علمی محل رجوع واقع شود و برای ایجاد اتحاد بین مسلمین محور باشد؛ آیا عقل و منطق آن را نمی پذیرد؟ آیا اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله در بین ما بود بر این موضوع برای حفظ شریعت اسلام صحنه نمی گذاشت و ما را به آن ترغیب نمی کرد؟

ممکن است گفته شود که چرا خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و شخصیت ایشان دست مایه وحدت نباشد. در پاسخ باید گفت که اولاً وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله مایه وحدت است و سنت ایشان صلی الله علیه و آله حبل متین الهی است اما مشکل آن است که در چگونگی دریافت سنت، بین شیعه و اهل سنت اختلاف وجود دارد. شیعیان سنت را جز از طریق علی بن ابیطالب علیه السلام و فرزندان معصوم آن امام بزرگوار نمی پذیرند، از این رو می باید به دنبال شخصیتی دیگر در جهان اسلام علاوه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که بتواند محور وحدت باشد و آن شخصیت باید بین شیعه و اهل سنت مشترک و دارای سوابق درخشان علمی و اسلامی باشد و برای این منظور کسی جز علی علیه السلام نمی تواند در اولویت باشد، زیرا وی پرورش یافته رسول خدا صلی الله علیه و آله و از اولین مسلمانان و در شهر علم پیامبر عظیم الشان می باشد که شیعه و اهل سنت در مورد شخصیت برجسته وی اتفاق نظر دارند.

بدیهی است که این موضوع از شأن و شخصیت علمی و فضیلت دیگر صحابه نخواهد کاست و آنان دارای فضایل و جایگاه خویش خواهند بود و احترام آنان لازم می‌باشد.

۳- توجه به مفهوم «اولی الامر» و یافتن نقطه اشتراک

در آیه ۵۹ سوره نساء آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...». منظور از خدا و رسول ﷺ در آیه مشخص است، اما در مورد «اولی الامر»، بین شیعه و اهل سنت اختلاف نظر است.

تفسیر قمی (قمی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۱۴۱)، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۳، ص ۴۳۸)، تفسیر نور الثقلین (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۹۹)، تفسیر شریف لاهیجی (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۴۹۶)، تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۴۳۶)، تفسیر المیزان (موسوی، ۱۳۷۴ ش، ج ۴، ص ۶۳۶) و نیز سایر تفاسیر شیعه مراد از «اولی الامر» را بالاتفاق علی‌الایسلا و فرزندان معصوم آن حضرت دانسته‌اند.

اما در تفاسیر اهل سنت اختلاف نظر است؛ برخی از آنها امیران بلاد را اولی الامر معرفی کرده‌اند (سمرقندی، ج ۱، ص ۳۰۲)؛ برخی دیگر مراد از اولی الامر را خلفای راشدین (اسفراینی، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۵۰۱) و برخی دیگر، فرماندهان لشکر دانسته‌اند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۹۸۸). عده‌ای از اهل سنت اطاعت از اولی الامر را مشروط به عدل، خیر، احسان و... می‌دانند (خطیب، ج ۳، ص ۸۳۱). در تفسیر مراغی اجماع و اتفاق نظر علما، حکما و امرا در اطاعت لازم شمرده شده است (مراغی، ج ۵، ص ۷۶). سیوطی در «در المنثور» بنا به روایتی که بیان می‌کند اولی الامر را فقها و علمای دین معرفی می‌نماید (سیوطی، ۱۴۰۲ ق، ج ۲، ص ۱۷۶).

سایر علمای اهل سنت نیز بیاناتی مشابه دارند، البته عده‌ای صحیح بودن و خلاف قرآن نبودن حکم بیان شده از سوی حکما و فقها را لازم می‌دانند (پیشین، ص ۱۷۷). خصوصیتی را که اهل سنت برای اولی الامر قائل‌اند در مقام معظم رهبری جمع است، زیرا ایشان امیر کشور، عالم و فقیه، و عادل بوده و فرامین وی هرگز نمی‌تواند مخالف و مغایر قرآن و سنت رسول خدا ﷺ باشد؛ از این رو پذیرش اطاعت از ایشان به عنوان اولی الامر می‌تواند محور وحدت جهان اسلام باشد.

نتیجه

وجود اختلافات در بسیاری از موارد معقول و طبیعی است و نباید صرف وجود اختلاف نظر در فروع باعث تفرقه در صفوف مسلمین گردد و مسلمانان جهان باید با محور قرار دادن اصول و متن

اصلی دین و قرآن تمام فرقه‌های اسلامی را مسلمان دانسته و یک‌دیگر را برادر هم بدانند و وظایف برادری را در مورد هم به‌جا آورند. بدیهی است که وظایف برادران، اختلاف و دشمنی و کینه توزی نیست بلکه هم‌دلی و مهربانی و غمخوار یک‌دیگر بودن است.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابن عجبیه، احمد بن محمد، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، انتشارات دکتر حسن عباس زکی، قاهره، ۱۴۱۹ ق.
- ۲- ابن عربی، محمد بن عبد الله بن ابوبکر، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صار، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- ۴- اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر، *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- ۵- امینی، علیرضا و جوادی، محسن، *معارف*، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۰ ش.
- ۶- بابایی، احمد علی، *برگزیده تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ۷- بندر ریگی، محمد، *منجد الطلاب*، لوحه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- ۸- خطیب، عبد الکریم، *التفسیر القرآن للقرآن*، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دار العلم الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۰- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، *بحر العلوم*، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- ۱۱- سید رضی، *نهج البلاغه فیض الإسلام*، تهران، ۱۳۹۲ ق.
- ۱۲- سیوطی، جلال الدین، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم.
- ۱۳- شریف لاهیجی، محمد بن علی، *تفسیر شریف لاهیجی*، نشر داد، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۴- طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۵- عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- ۱۶- عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، *نور الثقلین*، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۷- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۸- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- ۱۹- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، دارالکتاب، قم، ۱۳۶۷ ش.
- ۲۰- قمی مشهدی، محمد بن رضا، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، سازمان چاپ وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.

- ۲۱- مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر مراغی، دار أحياء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه، تهران ۱۳۷۴ ش.
- ۲۳- موسوی، سید محمد باقر، ترجمه المیزان، انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۴- نجفی، قم، ۱۴۴۰ ق.

